

کتاب دوازدهم
من دیگر ما

...

دختران و همسری
و شش ناب مادری

جایگاه همسری و مادری در تربیت فرزندان

فرزند ما از ما جدا نیست؛ او خوب
اما در اندازه‌ای کوچک‌تر

...



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵
 عنوان و نام پدیدآور: دختران و همسری و شغل ناب مادری: جایگاه همسری و مادری در تربیت فرزندان /
 محسن عباسی ولدی؛ ویراستار محمد اشعری.
 مشخصات نشر: قم: آیین فطرت، ۱۴۰۱. مشخصات ظاهری: ۲۵۵ ص.؛ مصور (رنگی).
 فروست: من دیگر ما؛ فرزند ما از ما جدا نیست، او خود ماست، اما در اندازه‌ای کوچکتر؛ کتاب دوازدهم.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۱-۷۷-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: ص. [۲۵۳] - ۲۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 عنوان دیگر: جایگاه همسری و مادری در تربیت فرزندان.
 موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 موضوع: Domestic education -- Religious aspects -- Islam*
 مادری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 Motherhood -- Religious aspects -- Islam
 رده بندی کنگره: BP۲۵۳/۴
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۴۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۰۹۳۲۳

• گرما (کتاب دوازدهم) •
 نویسنده: محسن عباسی ولدی
 ناشر: آیین فطرت
 مدیر هنری و طراح جلد: سید حسین زاده
 تصویرگر داخلی و جلد: سید حسین زاده
 گرافیک: گروه هنری آیین فطرت
 ویراستار: محمد اشعری
 • www.ketabefetrat.com •

هماهنگی پخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱
 لیوگرافی، چاپ و صحافی: عمران
 نوبت چاپ: یازدهم / زمستان ۱۴۰۳
 شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۵۳۰۰۰ تومان
 با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا
 ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،
 کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.
 • www.ketabefetrat.com •
 سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

کلیه حقوق محفوظ است.

www.ketab.ir

خرابه تا وقتی که تو قدم در آن نگذاشته بودی، خرابه بود.
پای توبه آن جا که رسید، آبادترین نقطهٔ شام شد.
اصلاً آباد، جایی است که تو هستی.
رفیع‌ترین کاخ‌ها بی حضور تو کوخ هم نیستند.
گریه‌هایت چه قدر پربرکت بود
و ما چه ساده‌اندیشانه آن را به اندازهٔ بهانه گرفتن دختری برای پدری تفسیر کردیم!
مگر می‌شود تردید کرد که گریه‌های تو در شام
به اندازهٔ خطبه‌های عمه و عمویت ماندگار شد
و نام حسین علیه السلام را برای همیشه زنده نگه داشت؟!
گریه‌ات در فراق پدر، ذو الفقاری بود برای خودش. بنایم به رزم جاننا ته‌ات!

تقدیم به | رقیه، قهرمان نام‌آور شام!

فهرست منِ دیگرما/ کتاب دوازدهم

۱۱ • مقدمه

بخش اول

زن بودن زن اگر فراموش شود

- ۲۱ • پذیرش بیگانه در موضوع «زن»
- ۲۶ • همسر داری، خانه داری، هدف خلقت
- ۲۷ • حدیث اسماء بنت ابی بکر (رضی الله تعالی عنہا)
- ۳۴ • زن، کارخانه و نظام محاسباتی

بخش دوم

نور مه مادری که خاموش شود...

- ۴۴ • مادری کردن یا مادر شدن؟
- ۴۷ • مادری و فردگرایی
- ۴۹ • نگاه فمینیستی در تربیت دختران
- ۵۴ • خطر رواج خودخواهی
- ۵۷ • نگاهی به وضعیت خانواده در غرب

بخش سوم

دنیا اگر از مهر تو منقوش شود...

- ۶۲ • دختران و حذف دغدغه همسری و مادری!
- ۶۵ • فصل اول همسری و مادری از پنجره آسمان
- ۷۰ • القائنات تمدن غربی و دهه دوم زندگی دختران

- ۷۵ فصل دوم زن آسمانی از دریچه نگاه مردان
- ۸۱ اصلاح نگاه جامعه به جایگاه مقدس همسری و مادری
- ۸۴ سرنوشت پاک دامنی در غرب
- ۹۳ فصل سوم سلام بر زمین، بدرود ای آسمان!
- ۹۷ ظاهرگرایی و استقبال از پول و تحصیل
- ۱۰۱ فصل چهارم آسمانی بیندیش، آسمانی بمان!
- ۱۰۶ از بین رفتن تقدس مادری و فرض های دهشتناک

بخش چهارم

هرگز نکند تنّت لجن پوش شود...

- ۱۱۷ فصل اول زمین زمین، نیرنگ زمان، زن قهرمان!
- ۱۲۱ خیانت و ازدهایی به نفع خیانت استفاده می شود
- ۱۲۷ فصل دوم رسانه، تزئین زمین، عمل به آسمان
- ۱۳۱ مقایسه عصمت رسانه با کتاب آسمانی
- ۱۳۷ فصل سوم قساوت زمین و مظلومیت کودکانمان
- ۱۴۱ گفتگوی مادر با دنیای مدرن
- ۱۴۵ رسانه، باور اجتماعی و مهد کودک ها
- ۱۴۶ دروغ های دنیای مدرن در باره مهدکودک

بخش پنجم

از وصف تو آسمان که مدهوش شود...

- ۱۶۱ فصل اول مادری، ضمانت بهشتی شدن زمینیان
- ۱۶۵ انسان و تفسیر معنوی از جهان
- ۱۷۱ یک مثال مادرانه جالب
- ۱۷۵ مادری، خیرات و ولایت

- ۱۷۶ مادری و رستگاری
- ۱۸۱ مادری و نفس اجتماعی
- ۱۸۲ مادری و نگاه معنوی به شیردادن

• ۱۸۷ فصل دوم مادری، حقی سنگین روی دوش آدمیان

- ۱۹۲ حق مادر و تفسیر معنوی از جهان

• ۱۹۵ فصل سوم مادری، دین، امروز و فردایمان

- ۲۰۱ دروغ‌هایی که زنان دربارهٔ فرزندانشان باور می‌کنند
- ۲۰۵ تحمیل نقش مادری از نگاه فمینیست‌ها
- ۲۰۹ نگاه تمدن غربی به فحشای زنانه
- ۲۱۲ ویران‌شهر و خانواده و مادری
- ۲۱۴ دورنمایی از ویران‌شهر
- ۲۱۶ سه ویژگی اصلی ویران‌شهر
- ۲۱۸ حذف مادر از ویران‌شهر
- ۲۲۰ پایان خانواده و ویران‌شهر
- ۲۲۲ دنیای مدرن و تحریف مادر
- ۲۳۲ چند سؤال دربارهٔ گذشته و اکنون
- ۲۴۱ مصرف «سوما» ماده ضد تفکر یا تبعید از جزیره آدمخواران
- ۲۴۳ مادری و توحید

- ۲۴۷ آنچه خواندید
- ۲۵۱ آنچه در کتاب بعدی می‌خوانید
- ۲۵۲ حرف آخر
- ۲۵۳ منابع

سلام! سلامی به بلندای تاریخ و سوز فریاد دخترانی که زنده و بی‌گناه در خاکم فرو رفتند!

سلامی به لطافت در مادرانی که فرزندان‌شان در برابر نگاه‌شان، زنده به گور شدند!

تلخی این سلام‌ها را تاب بیاورید و سرا به شیرینی مهربانی خدایی که بالای سرتان است، ببخشید.

سلامی به گرمی محبت پسرانی که در قلب مادرانشان خانه کرده بود؛ اما پیش از تماشای اولین لبخند، دل مادران به داغ پسران ذبح‌شده‌شان سوخت!

سلامی به قشنگی قیام مردانی که غیرتشان جوشید و زنان را از سیاه‌چال ظلم و ستم نجات دادند!

سلامی به استحکام زنانی که چون سرو ایستادند و از حرمت زن دفاع کردند!

سلام به حوّا! سلام به هاجر! سلام به مادر موسی! سلام به مریم! سلام به خدیجه و سلام به فاطمه زهرا (علیها السلام).

من «مادری» هستم. همه مرا می‌شناسند. اگر از احوالات من خواسته باشید، باید بگویم از ملال‌های روی هم انباشته، ملولم. حالم خوش نیست، جماعت!

بهشت را زیر پای من ساخته‌اند؛ اما نمی‌دانم از جانم چه می‌خواهند آنهایی که دنیا را برایم جهنّم کرده‌اند.

مدّت‌هاست دنبال هیزم تری می‌گردم که به آنها فروخته باشم.

کسی هست که از آن هیزم تر، خبر داشته باشد؟

من، مظهر مهر و محبت خدای جهانیانم. کیست که از محبت

گریزان باشد که این چنین با گرزهای آهنین به جان من افتاده‌اند؟!

همین‌هایی که سرسازش با من ندارند، بگویند پیش از آن که

حتّی توان در دست گرفتن قلم را داشته باشند، در دامان پرمهر چه

کسی شیرۀ جان می‌دواند و قد کشیده‌اند! دین نه، وجدان هم

نیست که این چنین با نوک تیز قلمشان، به جان کسی افتاده‌اند

که هستی‌شان را مدیون او هستند.

دلم پراز دردهایی است که هر کدامشان برای آتش زدن شهری

کافی است.

شده‌ام نشانه عقب ماندگی. کاش کسی می‌گفت زیر سقف کبود

این آسمان، چند نفر را می‌شناسد که پیش قراول پیشرفت باشند و

ردّ پای مادر در خطّ سیر آنها نباشد!

همین جا تمام می‌کنم بیان دردها را. این طور نگاهم نکنید.

من محتاج ترخّم نیستم.

اصلاً شما رحم را از من یاد گرفته‌اید. معلّم مهربانی شما، خود

من هستم. الآن هم نیامده‌ام برای گدایی محبت و نامه نمی‌نویسم

برای جلب ترخّم و دلسوزی شما. آمده‌ام برای دلسوزی به شما. دلم برایتان می‌سوزد. مگر می‌توانم گره‌های تو در تو و کور را در زندگی شما ببینم و تماشاگر باشم؟ من، «مادری» هستم. دلم پراز مهر، پراز عشق، پراز دلسوزی و لبریز از فداکاری است.

آمده‌ام بگویم: جماعت! دور زمین را به اندازه همه عمرتان اگر بچرخید، تا زمانی که مرا در جایی که خدای ربّ العالمین نشانده، نشانید، گره‌های کور زندگی‌تان باز نخواهد شد.

سال‌های سال، بدون من آزمودید و به جایی نرسیدید. اگر روزگار، پشت روزگار بیاید و دست به دست هم به جان این گره‌ها بیفتید، باز هم باز نخواهند شد. خانه بی مادر، صفا ندارد و دنیا بدون «مادری»، تازیانه است.

جماعت! من اهل کینه نیستم و هر چه را که بر سرم آوردید، فراموش می‌کنم. اکنون نیز بی آن که دست نه‌ماز به یاری به سویم دراز کرده باشید، دست کمک به سویتان دراز کرده‌ام. خیالتان آسوده! اهل سرزنش هم نیستم. اگر باز گردید، واژه‌ای که به اندازه ذره‌ای بار سرزنش داشته باشد، از من نخواهید شنید.

من همانم که سختی‌ها را به جان می‌خرم تا فرزندانم آسوده زندگی کنند. تیغ رازیر حنجرم می‌پذیرم؛ اما خار را در پای فرزندانم تاب نمی‌آورم. از عطش، رو به قبله می‌شوم؛ اما خشکی لب فرزندانم را طاقت نمی‌آورم. کهنگی را با عشق برای خودم می‌پسندم و تازگی را برای فرزندانم طلب می‌کنم. خواب را بر چشمانم حرام می‌کنم تا فرزندانم آرام بخوابند. فرزندانم اگر سیر باشند، گرسنگی تاب از کفم نمی‌ربایید.

من همانم که می‌میرم برای فرزندانم و حالا آمده‌ام به یاری آنها.

به دامنم باز گردید و بیش از این، دور خود نچرخید. از شما چیزی نمی‌خواهم. مثل همیشه خالصانه به یاری‌تان آمده‌ام. اگر می‌خواهید طعم زندگی باز هم شیرین شود، مرا برگردانید سر جای خودم.

فدای شما

مادری



خدا را شکر به کتاب دوازدهم از مجموعه «من دیگر ما» رسیدیم. در چهار کتاب قبل، مهمان موضوع «کرامت» بودیم. در کتاب هشتم، درباره آثار کرامت سخن گفتیم و از کتاب نهم، موضوع روش‌های تربیت کریمانه را شروع کردیم که هم‌چنان نیز ادامه دارد. در کتاب یازدهم نیز به صورت مستقل موضوع مهم «کار» را به عنوان یکی از روش‌های تربیت کریمانه بررسی کردیم.

از آن جا که دین در انتخاب کار جنسیت را در نظر می‌گیرد، ما نیز در کار فرزندانمان باید جنسیت را در نظر بگیریم. مرد، عهده‌دار خرج خانواده است. پس پسران را باید برای نان‌آوری آماده کنیم. زن، عهده‌دار نقش همسری و مادری در محیط خانواده است. پس باید دختران را برای همسری و مادری آماده کنیم.

البته سبک زندگی غربی، این دیدگاه را نمی‌پذیرد و با همه توان، تلاش می‌کند تا نقش جنسیت را در مدیریت شغل‌ها از میان ببرد. بخشی از تلاش تفکر مادی‌گرای غرب، در ذهن برخی از ما نیز تأثیر خود را گذاشته است. قسمت اصلی این تأثیر، تخریب جایگاه همسری و مادری در نگاه بخشی از افراد جامعه است.

تخریب جایگاه همسری و مادری، به شدت در نوع تصمیم‌گیری‌های

تربیتی مؤثر است و موجب می شود والدین در تربیت فرزندان خویش، نقش جنسیت را کم رنگ کنند.

کتاب دوازدهم از مجموعه «من دیگر ما» خود را موظف می داند به تبیین جایگاه همسری و مادری و رابطه آن با تربیت دختران بپردازد.

شاید برخی از شما کتاب آسمانی نشان! آسمانی بمان! را از همین قلم خوانده باشید. موضوع این کتاب، «زن؛ خانه داری یا اشتغال» است. در همین جا باید یادآوری کنم که مطالعه آن کتاب، نمی تواند جای خالی این کتاب را پر کند. میان مطالب این کتاب و آن کتاب، اشتراکاتی وجود دارد؛ اما این اشتراکات، حد اقلی اند و هر کدام از این دو، از منظر جداگانه ای به مقوله مادری و همسری نگاه کرده اند. ما در این کتاب، با رویکردی دگرگانه وارد موضوع شده ایم و آن را مقدمه ای قرار داده ایم برای کتاب دوازدهم که موضوعش، راهکارهای آماده کردن دختران برای قرار گرفتن در جایگاه همسری و مادری است.

بخش اول این کتاب، «زن بودن زن، اگر فراموش شود...» نام دارد. در این بخش، توجه شما را به هویت زنانگی، جلب کرده و نقش این هویت را در پیمودن مسیر بندگی بررسی کرده ایم. خانه داری و همسری، موضوعی است که در این بخش، بررسی و نظام محاسباتی دین در این باره معرفی شده است.

«نورمه مادری که خاموش شود...» نام بخش دوم این کتاب است که در آن، مسئله مادری و نسبت آن با جایگاه زن در عالم آفرینش، بررسی شده است.

بخش سوم به بحث ضرورت و تقدّس مادری و همسری پرداخته است. این بخش که «دنیا اگر از مهر تو منقوش شود...» نام دارد، از چهار فصل تشکیل شده است.

فصل اوّل به نقش مادری و همسری در سلامت اخلاقی جامعه پرداخته است. در فصل دوم این بخش هم از این سخن گفته‌ایم که اگر جایگاه مادری و همسری در نگاه مردان یک جامعه، تقدّس نداشته باشد، چه بلایی بر سر آن جامعه خواهد آمد.

فصل سوم این بخش، به ما می‌گوید که اگر تقدّس مادری و همسری زدوده شود، زنان جامعه به صورت افراطی به ظاهر خویش پرداخته و آن را محور شخصیت خویش قرار می‌دهند. در فصل چهارم هم ارتباط اخلاقی زنان و رابطه آن، با تقدّس مادری و همسری سخن گفته‌ایم.

بخش چهارم این کتاب که «فصل تشکیل شده»، «هرگز نکند تَنّت لجن پوش شود...» نام گرفته است و وظیفه خود را پاسخگویی به این سؤال می‌داند: چرا در غرب، مادری و همسری، تقدّسشان را از دست داده‌اند؟

غرب در معنای «زن قهرمان» دست برد و آن را تحریف کرد. در نتیجه مسیر زنانگی در غرب به انحراف کشیده شد. تبیین این حقیقت، در فصل اوّل انجام گرفته است.

یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تخریب مادری و همسری، رسانه‌هایی هستند که بوق هوا و هوس انسان زمینی شده‌اند. شرح این قصّه تلخ را در فصل دوم این بخش بخوانید.

وقتی «مادری» قداست خود را از دست می‌دهد، فرزندان هم

سرپناه خود را از دست می دهند. این جاست که مهد کودک ها جای گزین آغوش مادر می شوند. مطالب بیشتر در این باره را در فصل سوم بخوانید.

بخش پنجم، «از وصف تو، آسمان که مدهوش شود...» نام دارد. این بخش، عهده دار تبیین جایگاه مادری در معارف دینی است.

بخش پنجم، از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل اول، از زوایای مختلف به تفسیر معنوی مادری از نگاه دین پرداخته ایم. حقی که از مادر بر عهده ما گذاشته شده، نشان از جایگاه معنوی مادر در عالم خلقت دارد. در باره حقوق مادر از نگاه دین، در فصل دوم این بخش، گفته ایم.

در فصل سوم، امروز و آینده عباد را با اتکا به معارف دینی بررسی و نقشه پیاده شده شیطان در غرب را بیان کردیم. با مطالعه این فصل، آشکار می شود که دلیل موفقیت غرب در پیاده کردن نقشه شیطانی خویش، غافل کردن انسان ها از حقیقت معنوی عالم و جایگاه قدسی مادر بوده است.

امیدوارم این کتاب بتواند گامی هر چند کوچک در احقاق حق «همسری» و «مادری» برداشته باشد و خوانندگان خود را با آسیب کم رنگ شدن نقش همسری و مادری زنان، آشنا کند.

محسن عباسی ولدی

قم، شهر بانوی کرامت

بهار ۱۳۹۹